ممکن است اتفاقات امنیتی در مرز رخ بدهد

■ ما در هفته‌های اخیر به دفعات از مقامات وزارت خارجه شنیده‌ایم که نگرانی جدی در مورد امنیت مرزهای شرقی دارند؛ چقدر ممکن است که زمینه فعالیت و تحرکات مجدد گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی پاکستان با افغانستان بیشتر شود؟ موضوعی که در دو سه سال اخیر با همکاری ما و پاکستان و دستگیری برخی سرکردگان این گروه‌ها مهار شده بود.

کاملاً محتمل و قابل پیش‌بینی است که چنین اتفاقی رخ دهد. البته من تأکید دارم روابط ما و پاکستان تحت تأثیر هیچ نیرویی قرار نخواهد گرفت که بخواهند اقدامات مخربی را علیه هم انجام دهند. اگر هم اتفاقاتی از این دست رخ می‌دهد، توسط گروه‌های خرد هست که تأثیر راهبردی و چندانی بر روابط دو کشور ندارد. روابط تهران و اسلام‌آباد باید راهبردی باشد؛ زیرا کمتر کشوری وجود دارد که به اندازه دو ملت ما و پاکستان قرابت فرهنگی و تاریخی داشته باشند و عقبه تمدنی یکدیگر به شمار بروند. حتی من می‌توانم بگویم کشورهای فارسی‌زبان دیگر مثل افغانستان و تاجیکستان هم به اندازه پاکستان با ما قرابت و رابطه فرهنگی در هم تنیده را ندارند؛ زیرا در شبه قاره هند به ایران به عنوان گهواره تمدنی خودشان نگاه می‌کنند. برخی حوادث سطحی در سال‌های گذشته موجب برخی سوءتفاهم‌ها بین ما شده که زودگذر بودند و بی‌ثباتی‌های اخیر در پاکستان هم بیشتر معطوف به روابط این کشور با افغانستان خواهد بود.

ذره بین

نوذر شفیعی
نماینده پیشین مجلس

آرش خلیل خانه | سقوط دولت عمران خان و حزب تحریک انصاف پاکستان در هفته‌های اخیر و به قدرت رسیدن دولت ائتلافی شهباز شریف نشانگر تحولات سیاسی و امنیتی عمیقی است که پشت مرزهای شرقی کشورمان در جریان است و با توجه به تسلط حکومت دوم طالبان بر افغانستان، پیامدهای اجتناب‌ناپذیری را برای ایران به دنبال خواهد داشت. در هفته‌های گذشته مقامات ایران به دفعات از نگرانی‌های جدی امنیتی خود در مورد مرزهای شرقی کشور و توجه دادن مقامات اسلام‌آباد و هیئت حاکمه موقت کابل نسبت به این موضوع سخن گفته‌اند. مجموعه تحولات این روزهای پاکستان در حوزه سیاسی و امنیتی باعث بروز دغدغه‌های مهمی بین دو کشور به خصوص در حوزه‌های همکاری دوجانبه شده است. به همین منظور با دکتر نوذر شفیعی استاد روابط بین‌الملل، کارشناس ارشد حوزه شبه قاره هند و عضو اسبق کمیته سیاست خارجی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در این ارتباط به گفت‌وگو نشسته‌ایم که آن را در ادامه خواهید خواند.

بررسی مناسبات تهران و اسلام آباد در گفت‌وگو با دکتر نوذر شفیعی

واکاوی روابط ایران و پاکستان پس از عمران خان

■ تحلیل شما درباره رویدادها و بسترهایی که منجر به ظهور و به قدرت رسیدن عمران خان و حمایت ارتش از او برای کنار زدن نخبگان و دو حزب مردم و مسلم لیگ و سپس سقوط او شد شامل چه مواردی است؟

من معتقدم در این اتفاق عمران خان تصور نمی‌کرد که دو سطح داخلی و خارجی در کنار هم قرار بگیرند و برای کنار گذاشتن او متحد شوند. در سطح داخلی دو گروه قابل ذکر هستند. یکی ارتش و آی‌اس‌آی که به‌نوعی حزب تحریک انصاف را تشکیل داد و عمران خان، یک چهره غیر سیاسی را علم کرد و به قدرت رساند تا موقعیت دو حزب اصلی و قدیمی را تضعیف کند و دیگری احزاب مسلم لیگ و مردم که عملاً برای کنار زدن عمران خان با هم متحد شدند. عمران خان تصور می‌کرد از آنجا که حزب تحریک انصاف یک حرکت نو پدید است و در سراسر پاکستان حامیان زیادی دارد و خودش را یک چهره کاریزماتیک می‌دانست، درنتیجه می‌تواند در قدرت بماند و هنوز هم این تصور را دارد که می‌تواند به قدرت برگردد. ولی در عین حال وی دشمن همه هم بود. بدین معنی که با فساد سیاستمداران در حزب مردم و مسلم لیگ مقابله کرد و در عین حال در پی این بود که اصلاحاتی را هم در ارتش صورت بدهد و در عزل و نصب‌های ارتش هم ورود کرد که اتفاق کم‌سابقه‌ای در پاکستان است. بنابراین نمی‌توان گفت عمران خان مهره ارتش و کاملاً در اختیار آن بود و شاید همین موضوع هم یکی از عواملی بود که ارتش دست از حمایت او برداشت. البته جریان‌های مذهبی هنوز هم حامی و طرفدار او هستند و در سطح جامعه او فرد مقبولی است. نکته دیگر سیاست‌های او در سطح منطقه‌ای بود که نگرانی‌هایی را هم برای آمریکایی‌ها و هم برای ارتش پاکستان ایجاد کرد و آن‌ها هم چراغ سبز را برای ساقط کردن دولت او نشان دادند و عملاً یکی علیه همه و همه علیه یکی شدند و حتی دیوان عالی پاکستان هم که معمولاً قانونی و بی‌طرفانه عمل می‌کرد، در اقدامی غیرمعمول وارد حوزه‌ای شد که در حیطه وظایف و اختیاراتش نبود و حکم به غیرقانونی بودن فرمان انحلال مجلس داد تا زمینه برکناری عمران خان فراهم شود.

■ آیا این نگرانی و عاملی که سبب همراه شدن آمریکا و ارتش با این برکناری بودند، به نوع نگاه و سیاست عمران خان در مورد طالبان مربوط می‌شد؟ این موضوع صحت دارد که تحریک طالبان پس از سقوط افغانستان اعلام کرده‌اند حالا نوبت استقرار حکومت اسلامی در پاکستان است؟

بله! این مسائل واقعیت دارد و در نقش‌دهی اتفاق‌هایی که رخ داد، تأثیر جدی داشت. حزب مردم عمدتاً در کراچی، حزب مسلم لیگ در پنجاب و حزب تحریک انصاف بیشتر در ایالت سرحد، مناطق قبایلی و بلوچستان پاکستان حامی دارد. بنابراین اساساً با کلیت افغانستان مرتبط تر است و عملاً پشتون‌های دو طرف مرز را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

بنابراین به طور طبیعی و بر اساس شرایط جغرافیایی و فرهنگی عمران خان با افغانستان نسبت پیدا می‌کرد و نگاهش به افغانستان نگاهی مؤثر بود. حالا این نگاه چه حمایت از طالبان باشد، چه رها کردن افغانستان و طالبان و باز گذاشتن دست آن‌ها و چه تقلیل دادن مسائل بین دو کشور. این موضوع نگرانی‌هایی را نه برای مردم پاکستان که برای آمریکایی‌ها و برای ارتش و آی‌اس‌آی به وجود آورده بود؛ زیرا سبب قدرت گرفتن تحریک طالبان و شبکه حقانی که حالا می‌خواهند بر پاکستان متمرکز شود، می‌شد.

مسئله دوم این بود که آمریکایی‌ها انتظار داشتند با واگذاری افغانستان به طالبان، دولتی زیر نظر آن‌ها شکل گیرد، اما عملاً دولت در کابل زیر نفوذ تحریک طالبان و پاکستان شکل گرفت و این سبب خشم آمریکایی‌ها شد. در کنار این تحولات نگاه عمران خان به روسیه که حاضر نشد حمله این کشور به اوکراین را محکوم کند و به مسکو هم سفر کرد یا ارتباطاتش با چین که پکن را در موضوع افغانستان با خود همراه کرد و تسلیحات سنگین چینی خرید هم عوامل دیگری بودند که سبب شد واشنگتن علیه او شده و مسیر را برای کنار زدنش باز کند. از نگاه ارتش هم سیاست‌های او خطرناک بود و دیگر کارآیی لازم را برای اهداف ارتش نداشت. نگاه و ارتباطات عمران خان به ایران و روابط خوبش با تهران هم در اینکه آمریکایی‌ها مجاب شوند در برکناری او سکوت کنند و زمینه‌اش را باز بگذارند، بی‌تأثیر نبود.

■ دو حزب مردم و مسلم لیگ برای تشکیل دولت و عزل عمران خان در مجلس با هم ائتلاف کردند. با توجه به اینکه این دو حزب رقیب سرسخت هم هستند، دولت جدید ائتلافی به رهبری شهباز شریف چقدر بخت ماندن و ادامه کار دارد؟

در عالم سیاست گفته می‌شود ائتلاف‌ها گاهی علیه تهدید است و گاهی همراه تهدید. در واقع اتحاد فعلی حزب مردم و مسلم لیگ نه به خاطر اشتراک منافع و نزدیکی دیدگاه‌ها به هم بلکه به دلیل احساس خطر از یک تهدید مشترک شکل گرفت. وقتی که این تهدید مشترک از بین رفت، در آینده آن‌ها با هم دچار اختلاف خواهند شد و ائتلافشان به احتمال بسیار زیاد در هم خواهد شکست. درنتیجه به نظر نمی‌رسد ما با یک دولت پایدار روبه‌رو باشیم و این دولت شهباز شریف چند ماهی بیشتر دوام داشته باشد؛ مگر اینکه در انتخابات عمران خان به شکلی قوی وارد شود تا این دو حزب ناگزیر از ادامه کار با هم باشند.

پیش‌تر گفتم ایران برای پاکستان و پاکستان برای ایران جایگاه ویژه قائل‌اند. همین دعوت از آقای رئیسی در حالی که پیش‌تر سفر رئیس مجلس به دلیل تنش‌ها در پاکستان به این کشور لغو شده بود، نشان می‌دهد همه دولت‌ها در پاکستان نسبت به ایران نگاه مثبت دارند و مایل به توسعه سطح روابط سیاسی، فرهنگی و تجاری هستند. شهباز شریف اگرچه در سیاست سابقه کمتری دارد اما یک تاجر خبره و موفق است و راه و رسم برقراری رابطه را می‌داند و می‌تواند روابطش با ایران، آمریکا و عربستان را تنظیم کند. استعداد تعارض با ایران در پاکستان بسیار کم است مگر اینکه متغیرهای دیگر و بیرونی وارد میدان شوند.

احتمال گرایش طالبان به سمت ایران وجود دارد

طبیعی است که طالبان به سمت ایران گرایش پیدا کند، اما بدان معنی نخواهد بود که آن‌ها انتظار داشته باشند ایران از سیاستشان برای بی‌ثبات کردن پاکستان استقبال یا از آن بهره‌برداری کند. پاکستان برای ما یک کشور ویژه به شمار می‌رود و در اسلام‌آباد هم به طور قطع همین نگاه وجود دارد.

گفت‌وگوی ویژه

قدس